

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی - سال ۱۳ - شماره ۵۳ - بهار ۱۳۹۶
صفحات ۱۳۵ تا ۱۶۴

رابطه بین حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته

محمد حسین صفرزاده*
ساجده طاوسی**

چکیده

با توجه به گسترش معاملات با اشخاص وابسته و افزایش بکارگیری این معاملات در شرکتها لازم است جهت کاهش جرایم مالی و بهبود عملکرد، سازوکارهای نظارتی ایجاد گردد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکتهاست. شواهد تجربی حاکی از نقش تعدیل کننده حاکمیت شرکتی در معاملات با اشخاص وابسته است. در پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته پرداخته شده است. نمونه مورد بررسی شامل ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۹ می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره با رویکرد پنل دیتا استفاده شده است. استقلال اعضای هیئت مدیره، پاداش هیئت مدیره، مالکیت سهامداران نهادی، تغییر مدیرعامل و چرخش حسابرس مستقل به عنوان پنج مکانیزم حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ی پژوهش حاکی از آن است که بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال اعضای هیئت مدیره رابطه معکوس و معنادار، پاداش هیئت مدیره رابطه مستقیم معنادار، و بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل رابطه مستقیم غیرمعنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، معامله با اشخاص وابسته، مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی.

* عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) hosein470@gmail.com

** کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۱۹

مقدمه

افزایش تعداد رسوایی‌های مالی در واحدهای اقتصادی موجب شد تا حاکمیت شرکتی به عنوان موثرترین ساختار نظارتی، مدنظر قرار گیرد. در نتیجه حاکمیت شرکتی از طرف سرمایه‌گذاران، بستانکاران و نمایندگان شرکتها مورد توجه قرار گرفت. از طرفی هزینه‌های نمایندگی با تقلبات حسابداری مثل انرون، آدلفیا، هالینگر و دیگر شرکتها ارتباط داشت. در همه این تقلبات مدیران از معاملات با اشخاص وابسته استفاده کرده و میلیون‌ها دلار اختلاس می‌کردند و با پنهان نمودن بدهی شرکت و بیش از واقع نشان دادن سود، صورتهای مالی گمراه‌کننده جهت فریب کاربران تنظیم می‌نمودند. کشف معاملات اشخاص وابسته شرکت دشوار بود. شواهد موجود حکایت از آن دارد که حاکمیت شرکتی به یکی از رایج‌ترین عبارات در واژگان تجارت جهانی در شروع هزاره جدید تبدیل شده است. یکی از نگرانی‌های مطرح شده، وجود معاملات با اشخاص وابسته در رسوایی‌های حسابداری اخیر می‌باشد، بطوری که بخش عمده زیان انرون در نتیجه روابط ناصحیح مالی انرون با شرکت‌هایی بود که توسط مدیران خود شرکت اداره می‌شدند از جمله، مقام مالی ارشد شرکت بزرگترین سرمایه‌گذار و سهامدار شرکت هم بود که باعث دستکاری سود و انتقال وجوه نقد می‌شد و یا آدلفیا که هیئت مدیره آن وام‌های بسیار بزرگی را از شرکت دریافت می‌کردند. از این رو معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند برای گمراه کردن کاربران صورتهای مالی مورد استفاده قرار گیرد. معاملات با اشخاص وابسته مساله پیچیده‌ای است که در حال حاضر توسط قانون‌گذاران و محققان مورد توجه قرار گرفته است. این معاملات در حسابداری به سختی رسیدگی می‌شوند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۱).

با توجه به گسترش معاملات با اشخاص وابسته و افزایش بکارگیری این معاملات در شرکت‌ها لازم است که جهت کاهش جرائم مالی و بهبود عملکرد، سازوکارهای نظارتی ایجاد گردد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است. حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های کنترلی داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شود. توجه به حاکمیت شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فیما بین به منظور تقویب فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از طریق مردم تامین شده است، منجر به تخصیص

کارای منابع و در نهایت رشد توسعه اقتصادی می‌گردد (مدودونالدسون، ۱۹۹۸). مکانیزم‌های نظارتی که در ادبیات حاکمیت شرکتی و در کشورهای توسعه یافته و نوظهور بسیار به آن پرداخته شده و مورد توجه بوده‌اند، نقش اساسی در نظارت و کنترل بر روند معاملات با اشخاص وابسته داشته و به دنبال آن بر عملکرد شرکت نیز تاثیر گذارند. بر این اساس، هدف این پژوهش، بررسی و مطالعه رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته می‌باشد.

یکی از مفاهیمی که اخیراً بسیار مورد توجه تنظیم‌کنندگان مقررات حاکمیت شرکتی و تدوین‌کنندگان رویه‌های گزارشگری مالی قرار گرفته است؛ معامله با اشخاص وابسته می‌باشد. معامله با اشخاص وابسته بدلیل پیچیدگی در شناسایی و افشای آن یکی از چالشهای گزارشگری مالی محسوب می‌شود که می‌تواند بطور بالقوه در تصمیمات اقتصادی استفاده کنندگان از اطلاعات مالی، موثر باشد (چن و سو، ۲۰۱۰). بر اساس استاندارد شماره ۱۲ ایران (۱۳۸۶)، معامله با شخص وابسته این گونه تعریف می‌شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن.

شواهد تجربی حاکی از نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی در معاملات با اشخاص وابسته است. در این رابطه، گوردون و همکاران (۲۰۰۴)، نشان دادند که مختلف بودن و پیچیده بودن معاملات با اشخاص وابسته، یک چالش برای حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود (گوردون و همکاران، ۲۰۰۴). جانکو و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند که تعارض اصلی در معاملات با اشخاص وابسته ناشی از قیمت گذاری در این معاملات است که شیوه‌های قیمت گذاری، بطور فرصت طلبانه‌ای به نفع اشخاص وابسته بوده و بطور بالقوه منافع سهامداران را به خطر می‌اندازد. چانگ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که شرکتهای سهامی عام دست به معامله با اشخاص وابسته با قیمتهای نامتعارف می‌زنند. آنها دریافتند که وجود کمیته حسابرسی به عنوان یک مکانیزم نظارتی، مانع از بهره جویی اشخاص وابسته شده و فرصت‌های آنها را برای تعیین قیمت‌های غیرمتعارف در معاملات، محدود می‌کند. هدف این پژوهش بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر معامله با اشخاص وابسته می‌باشد. سازوکارهای حاکمیت شرکتی در این مقاله، شامل استقلال هیئت مدیره، پاداش هیئت مدیره، مالکیت سهامداران نهادی، تغییر مدیر عامل، چرخش حسابرس مستقل است. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که: آیا بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و معامله با اشخاص وابسته رابطه وجود دارد یا خیر؟

مبانی نظری

معاملات توسط مدیران یا سایر سهامداران به طور فرصت طلبانه‌ای استفاده می‌شود که می‌تواند نتایج عملیات را گمراه کند یا اثر نامساعدی بر ثروت سهامداران اقلیت بگذارد. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به نفع مدیران و در راستای تصاحب منابع سهامداران انجام گیرد. اگر به این شیوه به معاملات با اشخاص وابسته نگریسته شود، این معاملات با بیشینه سازی ثروت سهامداران ناسازگار خواهد بود. از این رو، معاملات با اشخاص وابسته، توجه دانشگاهیان و سازمانهای حرفه‌ای را معطوف خود کرده و نگرانی نسبت به استفاده متقلبانه از این معاملات و عدم افشای آنها، کانون تمرکز قرار گرفته است. با توجه به آنکه معاملات با اشخاص وابسته، خطر زیان دیدن ذینفعان را افزایش می‌دهد، تفاضاً برای نظارت بر این معاملات وجود دارد. نظارتها مانع خروج ثروت از شرکت توسط اشخاص وابسته یا گزارشگری متقلبانه می‌شود که این امر با پذیرش سازوکارهای راهبری شرکتی تحقق پیدا می‌کند (کلبک و می هیو، ۲۰۰۴)، هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (۱۹۸۲)، بیان می‌کند که معاملات با اشخاص وابسته نمی‌تواند در شرایط منصفانه انجام شود و با تأثیری که بر قابلیت اتکای صورتهای مالی می‌گذارد، ممکن است برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، گمراه‌کننده باشند. با این وجود، معاملات با اشخاص وابسته، بین شرکتهای رایج است و موضوع مهم در این معاملات، آن است که منافع سهامداران خرد در مقایسه با منافع مدیرعامل یا سهامدار کنترل‌کننده در اولویت پایین تر قرار می‌گیرد. دوپری و همکاران (۲۰۰۶) بیان کردند اگر چه بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته قانونی است و اغلب این معاملات مانند معاملات با اشخاص غیروابسته فرض می‌شود، اما در نهایت منافع آن نصیب سهامداران اصلی می‌شود. او همچنین اظهار کرد که معاملات با اشخاص وابسته، بیشتر در کسب و کارهای خانوادگی عملیاتی مشهود است. اسکایف و همکاران (۲۰۰۶) اظهار کردند که وقتی در مورد معاملات با اشخاص وابسته بررسی دقیقی انجام نشود یا بررسی‌های اندکی انجام شود، مدیران دارای انگیزه‌های زیادی برای سلب مالکیت منابع شرکت و مدیریت سود هستند. پناهی (۱۳۹۲) بیان می‌دارد که بین اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و میزان معاملات با اشخاص وابسته (داد و ستد کالا با اشخاص وابسته) و (داد و ستد منابع مالی با اشخاص وابسته) رابطه معنادار و معکوسی برقرار است که دیدگاه تضاد منافع را مورد تأیید قرار می‌دهد زیرا طرفداران این دیدگاه به طور بالقوه این معاملات را مضر تشخیص می‌دهند و معتقدند که معاملات با

اشخاص وابسته به نفع شرکت نیست و معمولاً برای منافع (سهامداران عمده) می‌باشد.

مطالعات پیشین

مطالعات خارجی

کلبک و می‌هیو (۲۰۰۴) مشوقهای مالی و شاخصهای نظارتی را در شرکت‌هایی که اقدام به انجام معاملات با اشخاص وابسته کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند. در نمونه آنها، معاملات با اشخاص وابسته وجود داشت، ولی از نظر نوع معامله و نحوه افشا با یکدیگر تفاوت داشتند. آنها دریافتند که راهبری شرکتی با معاملات با اشخاص وابسته ارتباط معکوس دارد و رابطه معکوس میان پاداش نقدی مدیران با معاملات با اشخاص وابسته برقرار است.

گوردن و هنری (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که ارقام تعهدی اختیاری (مقیاس اندازه‌گیری مدیریت سود)، رابطه مثبتی با برخی از انواع معاملات مانند تأمین مالی با نرخ ثابت از اشخاص وابسته دارد. آنها در مجموع نتیجه گرفتند که نگرانی در مورد معاملات با اشخاص وابسته، فقط درباره برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد.

کیم و وو (۲۰۰۸) دریافتند شرکتها با انجام معاملات با اشخاص وابسته مایل به دستکاری سود از طریق مدیریت ارقام تعهدی اختیاری می‌باشند. آنها همچنین به یک رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ضریب واکنش سود رسیده‌اند که بیانگر ارزیابی نامطلوب بازار از معاملات با اشخاص وابسته‌ها می‌باشد.

چیونگ و همکاران (۲۰۰۸) موضوع معاملات با اشخاص وابسته را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار هنگ‌کنگ بررسی کردند. نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد که به طور متوسط، شرکت‌ها در زمان اعلام معاملات با اشخاص وابسته و نیز در مدت ۱۲ ماه پس از آن، بازده مازاد منفی کسب کرده‌اند. این بازده، در مقایسه با بازده معاملات مشابه منصفانه، به طور معناداری کمتر است. بازده مازاد، با درصد مالکیت سهامداران کنترل‌کننده و جایگزین‌های افشای اطلاعات، ارتباط معنادار منفی دارد. در نهایت، آنها شواهد محدودی یافتند که نشان می‌دهد بازار، تصاحب منابع شرکت را پیش‌بینی می‌کند.

چن و سو (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط میان معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت و نیز، بررسی اینکه آیا راهبری شرکتی اثر مثبتی بر رابطه معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت دارد یا خیر، پرداختند و برای اندازه گیری تاثیر راهبری شرکتی، از معیار استقلال هیئت مدیره استفاده و فرض کردند تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد شرکت، متاثر مکانیزم‌های راهبری شرکتی است. نتایج نشان داد مکانیزم‌های راهبری شرکتی، این معاملات را از معاملات فرصت طلبانه به معاملات کارا تغییر می‌دهد و استقلال هیئت مدیره در این معاملات نقش تعدیل کننده را بازی می‌کند. مسکاریو (۲۰۱۰) انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته را در بورس اوراق بهادار ایتالیا بررسی کرد. هدف او شناسایی دلایل پشت پرده انجام معاملات با اشخاص وابسته و کارا بودن یا فرصت طلبانه بودن این معاملات بود. با توجه به ساختار متمرکز مالکیت در شرکت‌های ایتالیایی، استفاده احتمالی از معاملات با اشخاص وابسته توسط سهامداران عمده برای تصاحب منابع شرکت به ضرر سهامداران خرد ارزیابی شد. شواهد، نشان از رفتار فرصت طلبانه در این معاملات دارد و رابطه معنادار بین مبلغ این معاملات با متغیرهایی که انگیزه‌ها و هزینه‌های تصاحب اموال را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشاهده گردید.

مانالیگد و روساریو (۲۰۱۲) صورتهای مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار فلیپین را در سال ۲۰۱۰ از نظر افشای معاملات با اشخاص وابسته بررسی کردند. نمونه، شامل ۳۰ شرکت و روش بررسی میزان افشا، روش دوبخشی است. چک‌لیست افشای مورد استفاده شامل روابط میان اشخاص وابسته، معاملات با اشخاص وابسته و پاداش مدیران است. نتیجه نشان می‌دهد که میانگین افشا، به ترتیب ۶۰ درصد، ۷۰ درصد و ۶۲ درصد بوده است. سپس آنها با در نظر گرفتن نوع حسابرس شرکتها، نشان دادند که از نظر افشا، تفاوت معناداری بین شرکت‌های گروه‌بندی شده بر حسب نوع حسابرس وجود ندارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که نوع حسابرس و اندازه شرکت، پیش‌بینی کننده میزان افشا توسط شرکت‌ها نمی‌باشد.

حمیدا.. و اتا... شاه (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی نقش حیاتی در رابطه با مکانیزم‌های داخلی حاکمیت شرکتی بازی می‌کنند. در حال که مالکیت مربوط به شرکت، دوگانگی وظیفه مدیر عامل و مالکیت

مدیریتی موجب سلب مالکیت سهامداران جزئی از طریق معامله با اشخاص وابسته می-شوند.

نتایج پیشینه تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که رابطه معاملات با اشخاص وابسته با مکانیسم‌های مختلف حاکمیت شرکتی یکسان نمی‌باشد. به طور کلی نتایج رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی تاثیر معنادار و نقش حیاتی بر رابطه با معاملات با اشخاص وابسته ایفا می‌کند.

مطالعات داخلی

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه ایران و وجود رابطه احتمالی میان این سازو کارها، نسبت بدهی‌ها و اندازه شرکت با مدیریت سود پرداخته که طبق نتایج پژوهش بین سازو کارهای حاکمیت شرکتی شامل تعداد اعضای هیئت مدیره، تعداد و کفایت مدیران غیر موظف، تفکیک وظایف مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره، ساختار مالکیت و وجود حسابرسی داخلی با مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد.

شعری و حمیدی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی کفایت افشای معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. در این مقاله، ۲۱ مورد افشا مطابق استاندارد حسابداری ۱۲ ایران تعیین و به دو دسته کلی تقسیم شده است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که شرکتها به طور میانگین ۱۴ درصد از موارد افشای عمومی و ۱۳ تا ۴۱ درصد از سایر موارد افشا را گزارش کرده‌اند. در ادامه، میزان افشای هر یک از موارد افشا بررسی گردید و مشخص شد الزامات مندرج در استاندارد حسابداری ۱۲ ایران، به طور کامل توسط شرکتها گزارش نمی‌شود.

حمیدی و شعری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته در محیط کسب و کار ایران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که فرضیه وجود رفتار فرصت طلبانه در معاملات با اشخاص وابسته رد نمی‌شود و نشانه‌هایی از فرصت طلبانه بودن این معاملات را در محیط کسب و کار ایران می‌توان مشاهده کرد.

پناهی (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته با مالکیت نهادی (بلندمدت / کوتاه‌مدت) و ترکیب هیئت مدیره شرکتها پرداختند. نتایج تحقیق نشان داده‌است که بین اعضای غیرموظف هیئت مدیره و میزان معاملات با اشخاص وابسته (داد و

ستد کالا با اشخاص وابسته) و (داد و ستد منابع مالی با اشخاص وابسته) رابطه معنادار و معکوسی برقرار است که دیدگاه تضاد منافع را مورد تایید قرار می‌دهد زیرا طرفداران این دیدگاه به طور بالقوه این معاملات را مضر تشخیص می‌دهند و معتقدند که معاملات با اشخاص وابسته به نفع شرکت نیست و معمولاً برای منافع (سهامداران عمده) می‌باشد در نهایت نتایج تحقیقات نشان داد که بین مالکیت نهادی بلندمدت و میزان معاملات با اشخاص وابسته رابطه معنادار و مستقیمی برقرار است که دیدگاه معاملات کارا را مورد تایید قرار می‌دهد زیرا طرفداران این دیدگاه این معاملات را مفید و به عنوان مبادلات اقتصادی و به نفع عموم سهامداران در نظر می‌گیرند.

سهرابی نودهی (۱۳۹۲) در پژوهشی ارتباط بین ساختار مالکیت نقش دوگانه مدیرعامل و معاملات با اشخاص وابسته در شرکتها را بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین نقش دوگانه مدیرعامل با اشخاص وابسته رابطه مثبت و معناداری و بین مالکیت نهادی و خرید و فروش با اشخاص وابسته رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تفکیک دو پست رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل سبب می‌شود هیئت مدیره کنترل بهتری بر برنامه‌های پرخطر مدیرعامل داشته باشد و عملکرد شرکت را بهبود بخشد و سبب کاهش دستکاری سود می‌شود.

رضایی و قمری (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معامله با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت پرداختند. یافته‌های حاصل از تحقیق حاکی از آن است که بین داد و ستد مالی با اشخاص وابسته و عملکرد رابطه معکوس و معنادار برقرار است. همچنین نتایج نشان داد که ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین داد و ستد عملیاتی با اشخاص وابسته و عملکرد موثر نبوده است. ولی ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین داد و ستد مالی با اشخاص وابسته و عملکرد موثر است. دیگر نتایج حاصل از تحقیق نشان داد کیفیت حساسی بر رابطه بین داد و ستد عملیاتی با اشخاص وابسته و عملکرد تاثیر منفی دارد. در این تحقیق کیفیت حساسی، منعکس کننده شدت استفاده از اقلام تعهدی در گزارشگری مالی است. اما کیفیت حساسی بر رابطه بین داد و ستد مالی با اشخاص وابسته و عملکرد تاثیرگذار نبوده است.

دارابی و داود خانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

خلاصه نتایج تحقیقات داخلی حاکی از آن است که در ایران، رابطه عوامل زیادی با معاملات با اشخاص وابسته مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آن بعضاً ضد و نقیض بوده است، اما تاکنون رابطه بین مکانیسم های تحقیق موردنظر با معاملات وابسته مورد بررسی قرار نگرفته است.

فرضیه های پژوهش

با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند (گوردن و هنری، ۲۰۰۵). به طور معمول هیئت مدیره ای که تعداد مدیران غیرموظف آن بیش تر است، تصویری مثبت از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می دهد (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس، طبق دیدگاه تضاد منافع:

فرضیه اول: بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال اعضای هیئت مدیره رابطه معکوس وجود دارد.

کلبک و می هو (۲۰۰۴) مشوق های مالی و شاخص های نظارتی را در شرکت هایی که اقدام به انجام معاملات با اشخاص وابسته کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که راهبری شرکتی با معاملات با اشخاص وابسته ارتباط معکوس دارد و رابطه ای معکوس میان پاداش نقدی مدیران با معاملات با اشخاص وابسته برقرار است. بنابراین فرضیه دوم به صورت زیر طراحی شده است:

فرضیه دوم: بین معامله با اشخاص وابسته و پاداش هیئت مدیره رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی های شرکت به نفع اشخاص وابسته از شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند (گوردن و هنری، ۲۰۰۵). از تمرکز مالکیت به عنوان سازوکاری مهم یاد می شود که مشکلات نمایندگی را کنترل می کند و حمایت از منافع سرمایه گذاران را بهبود می بخشد. بنابراین فرضیه سوم به صورت زیر طراحی شده است:

فرضیه سوم: بین معامله با اشخاص وابسته و مالکیت سهامداران نهادی رابطه معکوس

وجود دارد.

با توجه به فرضیه تضاد منافع مدیر از معاملات با اشخاص وابسته به منظور مدیریت سود استفاده می‌کند تا دارایی‌های شرکت را به نفع اشخاص وابسته از شرکت خارج کند. اگر تغییر مدیرعامل در یک واحد اقتصادی به سرعت اتفاق بیفتد، مدیرعامل با علم به این موضوع پیش‌تر به دنبال کسب منافع کوتاه مدت خود در شرکت می‌باشد. پس این فرض وجود دارد که پیش‌تر از معامله با اشخاص وابسته به منظور مدیریت سود استفاده کند تا زمانی که به صورت بلندمدت در سمت خود باقی می‌ماند. بنابراین بنابراین فرضیه چهارم به صورت زیر طراحی شده است:

فرضیه چهارم: بین معامله با اشخاص وابسته با تغییر مدیرعامل رابطه مستقیم وجود دارد. چانگ (۲۰۰۴) نشان داد که با تغییر حسابرس، مدیریت سود در صورتهای مالی کاهش می‌یابد. بیان رابطه معکوس بین این دو متغیر فرضیه تضاد منافع را تایید می‌کند. بنابراین فرضیه پنجم: به صورت زیر طراحی شده است:

فرضیه پنجم: بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل رابطه معکوس وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی-همبستگی است. از آنجا که محقق به دنبال تعیین رابطه علت و معلولی ما بین متغیرها است روش پژوهش از نوع پس رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌ها، از مدل رگرسیون چندمتغیره مبنی بر داده‌های پانل استفاده شده است.

مدل آزمون فرضیه‌ها

با توجه به مطالب بالا برای آزمون هر یک از فرضیه‌ها از مدل کلی رگرسیونی زیر استفاده می‌گردد:

$$RPT_{it} = \beta_0 + \beta_1 Corporate\ Governance_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Growth_{it} + \beta_4 Lev_{it} + \beta_5 Tang_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل داریم:

RPT بیانگر معامله با اشخاص وابسته، Corporate Governance برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی (شامل BI استقلال هیئت مدیره، COM پاداش هیئت مدیره، IO درصد مالکیت سهامداران نهادی، CEOC تغییر مدیرعامل، FR چرخش حسابرس مستقل)، SIZE اندازه شرکت، GROWTH رشد شرکت، LEV اهرم مالی شرکت و TANG ترکیب دارایی های ثابت می باشد.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش معامله با اشخاص وابسته است. براساس استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران معامله با شخص وابسته این گونه تعریف می شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدات به اشخاص وابسته، صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن. در این پژوهش برای سنجش متغیر وابسته، مطابق با شاخص به کار گرفته شده توسط کوآن و همکاران (۲۰۱۰)، از قدرمطلق جمع کل مبلغ معاملات با اشخاص وابسته افشا شده در یادداشت های همراه صورت های مالی تقسیم بر مجموع دارایی های ابتدای دوره شرکت، استفاده شده است. متغیر مستقل این پژوهش، سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که شامل ۵ مورد زیر می باشد:

استقلال هیئت مدیره: این متغیر از طریق نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره محاسبه می شود.

پاداش هیئت مدیره: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی پاداش هیئت مدیره محاسبه می شود.

درصد مالکیت نهادی: مالکیت نهادی، دربرگیرنده تعداد سهام عادی شرکت است که در اختیار سرمایه گذاران نهادی (سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک ها، شرکت های بیمه و شرکت های سرمایه گذاری) قرار دارد. برای محاسبه درصد مالکیت نهادی در هر شرکت، تعداد سهام مالکان نهادی بر کل تعداد سهام عادی شرکت در پایان دوره مالی تقسیم خواهد شد.

تغییر مدیرعامل: در صورتی که مدیرعامل واحد تجاری در دو سال گذشته تغییر کرده باشد، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

چرخش حسابرس مستقل: در صورت تغییر حسابرس مستقل در دو سال گذشته، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

متغیرهای کنترلی استفاده شده در پژوهش حاضر به عنوان سایر عوامل تأثیرگذار بر معامله بر اشخاص وابسته شامل اندازه شرکت، رشد، اهرم مالی و ترکیب دارایی‌های شرکت می‌باشند. انتخاب متغیرهای کنترلی با توجه پژوهش حمیدا.. و اتا... شاه (۲۰۱۵) انجام گرفته است.

اندازه شرکت: برای تعیین اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

رشد شرکت: این متغیر از تقسیم اختلاف دارایی‌های سال جاری با سال قبل بر دارایی‌های سال قبل محاسبه می‌شود.

اهرم مالی: برای اندازه‌گیری این متغیر از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده شده است.

ترکیب دارایی‌های ثابت: برای اندازه‌گیری این متغیر از تقسیم دارایی‌های ثابت به فروش استفاده می‌شود.

جامعه و نمونه آماری و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

دوره زمانی پژوهش حاضر دوره‌های پنج ساله از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است. جامعه آماری پژوهش شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که: ۱- سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد، ۲- جزء بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، و لیزینگ نباشد، ۳- در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد و ۴- معامله سهام شرکت طی دوره مورد معامله به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام مذکور اتفاق نیفتاده باشد.

با توجه به معیارهای فوق تعداد ۱۳۶ شرکت به روش حذف هدفمند برای انجام پژوهش انتخاب شد. داده‌های این پژوهش از صورتهای مالی حسابرسی شده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام، پایگاه‌های اینترنتی مانند کدال و پایگاه رسمی بورس استخراج شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزارهای Eviews و Stata و همچنین برای نرمال سازی داده‌های متغیر وابسته از نرم افزار Minitab استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی در جدول ۱ ارائه شده است. اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰/۶۰۵۸) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند.

به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر پاداش هیئت مدیره برابر با (۳/۵۷۸۲) و برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰/۲۰۰۳) می‌باشد که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش پاداش هیئت مدیره و اهرم مالی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی می‌باشند. مینیمم و ماکزیمم، به ترتیب کمترین و بیشترین عدد متغیر در جامعه آماری را نشان می‌دهد. برای مثال مقدار مینیمم و ماکزیمم متغیر ترکیب دارایی ثابت به ترتیب برابر با (۰/۰۲۷۳) و (۷/۱۱۳۴) می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
معامله با اشخاص وابسته	۰	۳/۷۱۶۳	۰/۶۸۴۶	۰/۸۵۲۱
استقلال هیئت مدیره	۰	۱	۰/۴۸۰۴	۰/۳۴۹۲
پاداش هیئت مدیره	۰	۹/۴۰۴۳	۳/۵۰۷۷	۳/۵۷۸۲
درصد مالکیت نهادی	۰	۰/۹۹۰۱	۰/۳۲۵۰	۰/۳۰۶۹
تغییر مدیرعامل	۰	۱	۰/۴۴۱۱	۰/۴۹۶۸۹
چرخش حسابرس مستقل	۰	۱	۰/۴۶۰۲	۰/۴۹۸۷

آزمون نرمال بودن متغیرها

نرمال بودن متغیرها (به خصوص متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیونی)، شرط اولیه انجام کلیه آزمون‌های پارامتریک می‌باشد. به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون جاک بک برا استفاده شده است. در این آزمون هرگاه سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ باشد، نرمال بودن توزیع داده‌ها با سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون جارک برا

متغیر	سطح معناداری آزمون جارک برا	متغیر	سطح معناداری آزمون جارک برا
معامله با اشخاص وابسته	۰/۰۰۰۰	چرخش حسابرس مستقل	۰/۰۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۰۰۰	اندازه شرکت	۰/۰۰۰۰
پاداش هیئت مدیره	۰/۰۰۰۰	رشد شرکت	۰/۰۰۰۰
درصد مالکیت نهادی	۰/۰۰۰۰	اهرم مالی	۰/۰۰۱۴
تغییر مدیرعامل	۰/۰۰۰۰	ترکیب دارایی ثابت	۰/۰۰۰۰

با توجه به جدول ۲ سطح معنی داری متغیر وابسته (معامله با اشخاص وابسته) کمتر از ۵ درصد است. لذا از توزیع نرمال برخوردار نیست. به لحاظ اینکه یکی از پیش فرض‌های رگرسیون، نرمال بودن توزیع متغیر وابسته است لذا از تبدیل جانسون در نرم افزار مینی تب جهت تبدیل توزیع متغیر وابسته به توزیع نرمال استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۳: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته بعد از فرایند نرمال سازی با تبدیلات جانسون

متغیرهای	سطح معناداری
معامله با اشخاص وابسته	۰/۱۴۳

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد که سطح معنی داری متغیر وابسته قبل از تبدیل کمتر از (۰/۰۰۵) است و پس از تبدیل برابر با (۰/۱۴۳) می‌باشد که حاکی از نرمال شدن متغیر وابسته است.

آزمون همبستگی

ضریب همبستگی یکی از معیارهای مورد استفاده در تعیین همبستگی دو متغیر می‌باشد. ضریب همبستگی، شدت رابطه و نیز نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. مفهوم معنی داری در همبستگی این است که آیا همبستگی بدست آمده بین دو متغیر را می‌توان شانس و تصادفی دانست یا واقعا نشان می‌دهد بین دو متغیر همبستگی وجود دارد. این موضوع که عدد به دست آمده معنی دار است یا نه از خود عدد به دست آمده با اهمیت تر

است. در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن طبق جدول ۴ استفاده گردیده است. در این جدول، اعداد بالای قطر اصلی ماتریس بیانگر ضریب همبستگی پیرسون و اعداد پایین قطر اصلی ماتریس بیانگر ضریب همبستگی اسپیرمن می باشد.

جدول ۴: نتایج آزمون همبستگی متغیرها

ترکیب دارایی ثابت	اهرم مالی	رشد شرکت	اندازه شرکت	چرخش حسابرس	تغییر مدیرعامل	مالکیت نهادی	پاداش هیئت مدیره	استقلال هیئت مدیره	معامله با اشخاص وابسته	همبستگی
-۰/۲۲۵۴	۰/۱۰۲۷	۰/۱۴۷۲	۰/۰۴۵۹	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۲۰۳	-۰/۱۰۵۸	-۰/۰۶۹۷	-۰/۰۳۰۱	۱	معامله با اشخاص وابسته
۰/۰۵۱۷	-۰/۰۶۹۸	۰/۰۵۲۴	۰/۰۶۲۳	-۰/۰۴۰۸	-۰/۰۴۲۱	-۰/۰۱۲۰	۰/۱۳۳۳	۱	۰/۰۱۳۸	استقلال هیئت مدیره
۰/۰۸۳۷	-۰/۲۳۳۵	۰/۱۹۷۹	۰/۱۴۴۸	۰/۰۶۰۹	-۰/۰۱۲۷	۰/۱۲۸۵	۱	۰/۱۳۵۹	-۰/۰۲۹۸	پاداش هیئت مدیره
۰/۰۱۹۱	-۰/۱۱۲۴	۰/۰۲۵۸	۰/۱۸۵۰	۰/۰۵۷۷	-۰/۰۶۱۸	۱	۰/۱۰۰۵	-۰/۰۱۰۳	-۰/۱۲۵۴	مالکیت نهادی
۰/۰۳۹۵	۰/۰۸۶۶	-۰/۰۷۷۰	۰/۰۹۴۴	۰/۰۲۹۱	۱	-۰/۰۵۳۸	-۰/۰۰۵۴	-۰/۰۵۳۱	-۰/۰۲۹۳	تغییر مدیرعامل
۰/۰۲۶۹	-۰/۰۱۵۷	۰/۰۳۰۵	-۰/۱۰۴۵	۱	۰/۰۲۹۱	۰/۰۰۵۹	۰/۰۵۶۷	-۰/۰۳۷۰	-۰/۰۵۵۱	چرخش حسابرس
۰/۱۵۶۸	-۰/۰۰۲۸	۰/۱۴۰۷	۱	-۰/۰۹۱۴	۰/۱۰۹۶	۰/۲۱۷۷	۰/۲۵۴۱	۰/۰۵۶۲	۰/۱۴۸۷	اندازه شرکت
۰/۰۳۵۸	-۰/۱۱۵۹	۱	۰/۱۵۳۷	۰/۰۳۳۷	-۰/۰۷۸۸	۰/۰۴۷۳	۰/۲۳۱۰	۰/۰۵۰۹	۰/۲۷۴۹	رشد شرکت
-۰,۱۰۸۹	۱	-۰/۰۹۴۹	۰/۰۴۹۳	-۰/۰۲۸۶	۰/۰۷۰۲	-۰/۰۶۸۷	-۰/۲۳۲۲	-۰/۱۰۶۲	۰/۱۷۹۸	اهرم مالی
۱	-۰/۲۵۲۵	-۰/۰۹۴۲	۰/۱۴۱۷	۰/۰۲۶۰	۰/۰۶۸۷	۰/۰۱۴۲	۰/۱۰۳۴	۰/۰۷۱۷	-۰/۲۹۸۳	ترکیب دارایی ثابت

آزمون همخطی

یکی از مشکلاتی که ممکن است در تحلیل‌های رگرسیونی با آن مواجه شویم، بروز همخطی بین متغیرهای موجود در مدل برآورد شده می‌باشد. در این تحقیق از آزمون VIF برای کشف همخطی استفاده شده است. نتایج در جدول ۵ ارائه شده است. با توجه به جدول ۵، مقدار VIF محاسبه شده بیش از یک و کمتر از ۱۰ می‌باشد. لذا مشکل همخطی وجود ندارد.

جدول ۵: نتایج آزمون VIF

VIF	ضریب واریانس	متغیرهای مستقل
۱/۰۲۳۷	۰/۰۰۸۸	استقلال هیئت مدیره
۱/۰۹۲۲	۸/۹۸۰۱	پاداش هیئت مدیره
۱/۰۲۴۳	۰/۰۱۱۴	مالکیت نهادی
۱/۰۲۴۸	۰/۰۰۴۳	تغییر مدیرعامل
۱/۰۱۸۱	۰/۰۰۴۳	چرخش حسابرس

آزمون مانایی

اگر در یک تحلیل رگرسیونی، داده‌ها مانا نباشند ممکن است در حالی که ضریب تعیین بزرگ است، مقادیر آماره ضرایب t بزرگ باشند که این ممکن است باعث استنباط‌های غلط در مورد میزان ارتباط بین متغیرها شود. در این حالت رگرسیون کاذب یا ساختگی ایجاد شده است. برای جلوگیری از این حالت، داده‌های مدنظر باید ایستا شوند. برای بررسی وجود ریشه واحد، می‌توان از آزمون دیکی فولر استفاده کرد (بیدرام، ۱۳۸۱). که نتایج آن در جدول ۶ ارائه می‌گردد.

جدول ۶: نتایج آزمون دیکی فولر

متغیر	سطح معناداری	متغیر	سطح معناداری
معامله با اشخاص وابسته	۰/۰۰۰۰	چرخش حسابرس مستقل	۰/۹۱۶۴
استقلال هیئت مدیره	۰/۸۷۱۸	اندازه شرکت	۰/۹۵۷۰
پاداش هیئت مدیره	۰/۰۱۷۱	رشد شرکت	۰/۰۰۰۰
درصد مالکیت نهادی	۰/۰۰۰۰	اهرم مالی	۰/۰۰۱۹
تغییر مدیرعامل	۰/۹۹۷۸	ترکیب دارایی ثابت	۰/۲۵۱۸

با توجه به جدول ۵ از بین متغیرهای پژوهش استقلال هیئت مدیره، تغییر مدیرعامل، چرخش حسابرس مستقل، اندازه شرکت و ترکیب دارایی ثابت به دلیل بیشتر بودن سطح معناداری از ۵٪ ناماناستند، که این نامانایی از طریق آزمون هم انباشتگی کائو مطابق جدول ۷ رفع گردیده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آماره در جدول ۷ کمتر از ۵٪ می باشد، لذا متغیرهای مطرح در سطح ۵٪ مانا هستند.

جدول ۷: نتایج آزمون هم انباشتگی کائو

نام آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری
هم انباشتگی کائو	۱۵/۷۳۶۱	۰/۰۰۰۰

بررسی نوع الگوی داده‌های ترکیبی

هنگامی که از داده‌های ترکیبی برای تخمین و آزمون فرضیه استفاده می‌شود، قبل از هر کار به انجام آزمون F لیمر برای تشخیص نوع روش و نحوه برآورد نیاز است. اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده‌های تلفیقی باشد، تخمین مدل با روش داده‌های تلفیقی انجام می‌شود و اگر نتیجه آزمون نشان دهنده استفاده از روش داده‌های تابلویی بود، از آزمون هاسمن برای تشخیص تأثیرات ثابت یا تصادفی بودن الگو استفاده خواهد شد. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن بشرح جدول ۸ می‌باشد:

جدول ۸: نتایج آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

نتایج	آزمون هاسمن		آزمون اف لیمر		فرضیه‌های پژوهش
	سطح معناداری	آماره خی دو	سطح معناداری	آماره F	
پنل با اثرات تصادفی	۰/۲۲۹۸	۶/۸۷۸۸	۰/۰۰۰۰	۱۰/۷۱۶۵	فرضیه اول
پنل با اثرات ثابت	۰/۰۱۱۴	۷/۱۲۶۷	۰/۰۰۰۰	۱۰/۶۴۷۱	فرضیه دوم
پنل با اثرات تصادفی	۰/۲۳۸۶	۶/۷۶۶۸	۰/۰۰۰۰	۱۰/۵۸۴۰	فرضیه سوم
پنل با اثرات ثابت	۰/۰۴۰۶	۱۰/۱۶۹۴	۰/۰۰۰۰	۱۰/۷۲۴۸	فرضیه چهارم
پنل با اثرات تصادفی	۰/۲۱۳۶	۷/۰۹۶۲	۰/۰۰۰۰	۱۰/۷۱۸۹	فرضیه پنجم

آزمون ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی بین جملات خطا

برای بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانسها از آزمون ناهمسانی واریانس پاگان و برای بررسی وجود یا عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا از آزمون خودهمبستگی بورش گادفری استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون خود همبستگی بین جملات خطا در جدول ۹ ارائه گردیده است. نتایج بیانگر آن است که بین اجزای خطا خودهمبستگی وجود ندارد اما مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع این مشکل از تخمین‌زنهای حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

جدول ۹: نتایج آزمون ناهمسانی و خودهمبستگی بین جملات خطا

شماره فرضیه	آزمون پاگان		ناهمسانی واریانس	آزمون بورش گادفری		خود همبستگی
	LR chi2	احتمال		آماره F	احتمال	
فرضیه اول	۱۲۵۶۹/۶۹	۰/۰۰۰۱	وجود دارد	۲۶۲/۶۹۹۴	۰/۰۰۰۱	وجود ندارد
فرضیه دوم	۱۲۴۳۴/۶۸	۰/۰۰۰۱	وجود دارد	۲۵۴/۳۵۰۸	۰/۰۰۰۱	وجود ندارد
فرضیه سوم	۱۲۵۸۰/۷۵	۰/۰۰۰۱	وجود دارد	۲۶۳/۷۶۸۰	۰/۰۰۰۱	وجود ندارد
فرضیه چهارم	۱۲۵۲۳/۴۷	۰/۰۰۰۱	وجود دارد	۲۵۹/۸۹۶۷	۰/۰۰۰۱	وجود ندارد
فرضیه پنجم	۱۲۴۷۸/۸۷	۰/۰۰۰۱	وجود دارد	۲۶۰/۳۳۶۵	۰/۰۰۰۱	وجود دارد

نتایج آزمون فرضیه اول

طبق فرضیه اول، بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال اعضای هیئت مدیره رابطه معکوس وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰: نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	-۰/۰۴۸۱	۰/۴۸۰۱	-۰/۱۰۰۲	۰/۹۲۰۲
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۸۱۸	۰/۱۰۵۶	-۰/۷۷۴۷	۰/۴۳۸۷
اندازه شرکت	۰/۰۴۷۴	۰/۰۳۳۳	۱/۴۲۱۹	۰/۱۵۵۵
رشد شرکت	۰/۵۴۲۲	۰/۰۸۸۰	۶/۱۵۵۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۷۴۱	۰/۱۸۸۳	۰/۹۲۴۸	۰/۳۵۵۴
ترکیب دارایی ثابت	-۰/۲۳۱۸	۰/۰۵۵۴	-۴/۱۷۹۳	۰/۰۰۰۰
آماره F (معناداری)	۱۱/۶۴۸۷			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۷۲۷			
دوربین واتسون	۱/۵۳۲۶			

با توجه به نتایج جدول ۱۰، ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره منفی است. بنابراین می توان گفت که بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال هیئت مدیره یک رابطه معکوس وجود دارد و به لحاظ اینکه سطح معنی داری آن (۰/۴۳۸۷) بیشتر از ۵ درصد است، لذا این رابطه معکوس به لحاظ آماری معنی دار نیست. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، تنها ضریب متغیرهای رشد شرکت و ترکیب دارایی ثابت معنادار است و ضریب سایر متغیرهای کنترلی معنادار نمی باشد.

سطح معنی داری آماره F (۱۱/۶۴۸۷) برابر با ۰/۰۰۰ بوده که کمتر از ۵ درصد می باشد. بنابراین می توان گفت که مدل در حالت کلی معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده حدوداً برابر با ۷ درصد می باشد، که نشان می دهد ۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای توضیحی موجود در مدل توضیح داده می شود. آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۳۲۶ می باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، لذا مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه: با توجه به موارد فوق فرضیه اول در سطح خطای ۵ درصد رد می شود. به عبارت دیگر بین معامله با اشخاص وابسته و استقلال هیئت اعضای هیئت مدیره رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

طبق فرضیه دوم، بین معامله با اشخاص وابسته و پاداش هیئت مدیره رابطه معکوس وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه به شرح جدول ۱۱ است.

با توجه به نتایج جدول ۱۱، ضریب متغیر پاداش هیئت مدیره مثبت است. بنابراین می-توان گفت که بین معامله با اشخاص وابسته و تغییر مدیرعامل یک رابطه مستقیم وجود دارد و به لحاظ اینکه سطح معنی داری آن (۰/۰۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است، لذا این رابطه مستقیم به لحاظ آماری معنی دار است. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، تنها ضریب متغیر رشد شرکت معنادار است و ضریب سایر متغیرهای کنترلی معنادار نمی باشد.

سطح معنی داری آماره $F(۴۵/۹۵۱۴)$ برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از ۵ درصد می باشد بنابراین می توان گفت که مدل در حالت کلی معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده حدوداً برابر با ۹ درصد می باشد، بیانگر این مطلب که ۹ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقلو کنترلی موجود در مدل توضیح داده می شود. آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۳۸۸۲ می باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد لذا مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول ۱۱: نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	۰/۰۵۱۴	۰/۳۱۷۷	۰/۱۶۱۷	۰/۸۷۱۶
پاداش هیئت مدیره	۰/۰۱۱۱	۰/۰۰۲۳	۴/۶۹۹۷	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۳۷۰	۰/۰۲۲۹	۱/۶۱۹۶	۰/۱۰۶۱
رشد شرکت	۰/۳۷۹۲	۰/۰۳۱۴	۱۲/۰۷۰۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۲۸۳	۰/۰۵۷۲	۰/۴۹۴۹	۰/۶۲۰۹
ترکیب دارایی ثابت	۰/۰۰۲۶	۰/۰۲۰۸	۰/۱۲۸۳	۰/۸۹۷۹
آماره F (معناداری)	۴۵/۹۵۱۴			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹۲۱			
دوربین واتسون	۲/۳۸۸۲			

نتیجه: با توجه به موارد فوق، فرضیه دوم در سطح خطای ۵ درصد رد می شود. به عبارت دیگر بین معامله با اشخاص وابسته و پاداش هیئت مدیره رابطه مستقیم معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

طبق فرضیه سوم، بین معامله با اشخاص وابسته و مالکیت سهامداران نهادی رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۱۲، ضریب متغیر مالکیت نهادی منفی است. بنابراین می توان گفت که بین معامله با اشخاص وابسته و مالکیت نهادی یک رابطه معکوس وجود دارد و به لحاظ اینکه سطح معنی داری آن (۰/۰۳۰۴) کمتر از ۵ درصد است، لذا این رابطه معکوس به لحاظ آماری معنی دار است. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، تنها ضریب متغیر رشد شرکت معنادار است و ضریب سایر متغیرهای کنترلی معنادار نمی باشد.

سطح معنی داری آماره F (۱۲/۵۳۴۵) برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از ۵ درصد می باشد بنابراین می توان گفت که مدل در حالت کلی معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده حدوداً برابر با ۷ درصد می باشد، بیانگر این مطلب که ۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توضیح داده می شود. آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۲۷۶ می باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد لذا مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه: با توجه به موارد فوق، فرضیه سوم در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود. به عبارت دیگر بین معامله با اشخاص وابسته و مالکیت سهامداران نهادی رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲: نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	-۰/۰۴۹۳	۰/۴۷۵۶	-۰/۱۰۳۷	۰/۹۱۷۴
مالکیت نهادی	-۰/۳۳۰۴	۰/۱۵۲۳	-۲/۱۶۹۴	۰/۰۳۰۴
اندازه شرکت	۰/۰۵۴۴	۰/۰۳۳۳	۱/۶۳۱۹	۰/۱۰۳۲
رشد شرکت	۰/۵۳۸۶	۰/۰۸۷۹	۶/۱۲۵۲	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۳۰۳	۰/۱۸۸۹	۰/۶۹۰۱	۰/۴۹۰۴
ترکیب دارایی ثابت	-۰/۲۳۳۴	۰/۰۵۵۳	-۴/۲۲۰۴	۰/۰۰۰۰
آماره F (معناداری)			۱۲/۵۳۴۵	
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۰۷۸۲	
دوربین واتسون			۱/۵۲۷۶	

نتایج آزمون فرضیه چهارم

طبق فرضیه چهارم، بین معامله با اشخاص وابسته با تغییر مدیرعامل رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۱۳: نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره F	سطح معنی داری
عرض از مبدا	-۰/۳۷۶۹	۰/۳۰۱۰	-۱/۲۵۲۰	۰/۲۱۱۳
تغییر مدیرعامل	-۰/۰۲۸۵	۰/۰۱۰۵	-۲/۷۰۳۹	۰/۰۰۷۱
اندازه شرکت	۰/۰۷۲۲	۰/۰۲۱۴	۳/۳۶۱۹	۰/۰۰۰۸
رشد شرکت	۰/۳۳۶۳	۰/۰۳۱۴	۱۰/۷۰۹۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۰۳۰۸	۰/۰۶۹۸	۰/۴۴۲۰	۰/۶۵۸۷
ترکیب دارایی ثابت	-۰/۰۰۳۰	۰/۰۱۹۵	-۰/۱۵۷۶	۰/۸۷۴۸
آماره F (معناداری)	۴۳/۷۲۹۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۹۱۷			
دوربین واتسون	۲/۳۷۶۰			

با توجه به نتایج جدول ۱۳، ضریب متغیر تغییر مدیرعامل منفی است. بنابراین می توان گفت که بین معامله با اشخاص وابسته و تغییر مدیرعامل یک رابطه معکوس وجود دارد و به لحاظ اینکه سطح معنی داری آن (۰/۰۰۷۱) کمتر از ۵ درصد است، لذا این رابطه معکوس به لحاظ آماری معنی دار است. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، تنها ضریب متغیرهای رشد شرکت و اندازه شرکت معنادار است و ضریب سایر متغیرهای کنترلی معنادار نمی باشد.

سطح معنی داری آماره F (۴۳/۷۲۹۰) برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از ۵ درصد می باشد بنابراین می توان گفت که مدل در حالت کلی معنی دار می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده حدوداً برابر با ۹ درصد می باشد، بیانگر این مطلب که ۹ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می شود. آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۳۷۶۰ می باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد لذا مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

نتیجه: با توجه به موارد فوق، فرضیه چهارم در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. به عبارت دیگر بین معامله با اشخاص وابسته و تغییر مدیرعامل رابطه معکوس معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه پنجم

طبق فرضیه پنجم، بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۱۴، ضریب متغیر چرخش حسابرس مثبت است. بنابراین می‌توان گفت که بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل یک رابطه مستقیم وجود دارد و به لحاظ اینکه سطح معنی‌داری آن (۰/۶۷۵۱) بیشتر از ۵ درصد است، لذا این رابطه مستقیم به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. همچنین از بین متغیرهای کنترلی، تنها ضریب متغیرهای رشد شرکت و ترکیب دارایی ثابت معنادار است و ضریب سایر متغیرهای کنترلی معنادار نمی‌باشد.

جدول ۱۴: نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی‌داری
عرض از مبدا	-۰/۰۸۲۴	۰/۴۷۸۵	-۰/۱۷۲۲	۰/۸۶۳۳
چرخش حسابرس	۰/۰۱۷۷	۰/۰۴۲۲	۰/۴۱۹۳	۰/۶۷۵۱
اندازه شرکت	۰/۰۴۶۵	۰/۰۳۳۳	۱/۳۹۴۵	۰/۱۶۳۶
رشد شرکت	۰/۵۴۰۲	۰/۰۸۸۲	۶/۱۲۵۰	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۱۷۳۷	۰/۱۸۸۵	۰/۹۲۱۳	۰/۳۵۷۲
ترکیب دارایی ثابت	-۰/۲۳۰۷	۰/۰۵۵۴	-۴/۱۶۱۶	۰/۰۰۰۰
آماره F (معنی‌داری)	۱۱/۵۵۶۸			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۷۲۱			
دوربین واتسون	۱/۵۳۷۴			

سطح معنی‌داری آماره F (۱۱/۵۵۶۸) برابر با ۰/۰۰۰ بوده و کمتر از ۵ درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت که مدل در حالت کلی معنی‌دار می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده حدوداً برابر با ۷ درصد می‌باشد، بیانگر این مطلب که ۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل توضیح داده می‌شود. آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۵۳۷۴ می‌باشد که در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد لذا مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. نتیجه: با توجه به موارد فوق، فرضیه پنجم در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. به عبارت

دیگر بین معامله با اشخاص وابسته و چرخش حسابرس مستقل رابطه معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

شواهد موجود حکایت از آن دارد که حاکمیت شرکتی به یکی از رایج‌ترین عبارات در واژگان تجارت جهانی در شروع هزاره جدید تبدیل شده است. شواهد تجربی حاکی از نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی در معاملات با اشخاص وابسته است. مکانیزم‌های نظارتی که در ادبیات حاکمیت شرکتی و در کشورهای توسعه یافته و نوظهور بسیار به آن پرداخته شده و مورد توجه بوده‌اند، نقش اساسی در نظارت و کنترل بر روند معاملات با اشخاص وابسته داشته و به دنبال آن بر عملکرد شرکت نیز تاثیر گذارند. معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند برای گمراه کردن کاربران صورتهای مالی مورد استفاده قرار گیرد. معاملات با اشخاص وابسته مساله پیچیده‌ای است که در حال حاضر توسط قانون‌گذاران و محققان مورد توجه قرار گرفته است. این معاملات در حسابداری به سختی رسیدگی می‌شوند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۱).

با توجه به گسترش معاملات با اشخاص وابسته و افزایش بکارگیری این معاملات در شرکتها لازم است که جهت کاهش جرائم مالی و بهبود عملکرد، سازوکارهای نظارتی ایجاد گردد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکتها و بنگاه‌های اقتصادی است (مدودونالدسون، ۱۹۹۸).

هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر معامله با اشخاص وابسته بود. به منظور دستیابی به این هدف پنج فرضیه مطرح شد. بر این اساس اطلاعات مربوط به ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای سالهای بین ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های حاصل از فرضیه اول نشان داد که استقلال اعضای هیئت مدیره تاثیر معکوس بر معاملات با اشخاص وابسته دارد ولی این رابطه معکوس از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. لذا فرضیه اول پذیرفته نشد. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش شعری و حمیدی (۱۳۹۱)، پناهی (۱۳۹۲) و حمید... و اتا... شاه (۲۰۱۵) مطابقت دارد. نتایج فرضیه دوم نشان داد که پاداش هیئت مدیره تاثیر مستقیم و معناداری بر معاملات با اشخاص وابسته دارد. لذا فرضیه دوم نیز پذیرفته نشد. نتایج این فرضیه در مطابقت با یافته‌های پژوهش کلبک و می هیو (۲۰۰۴) می‌باشد. آنها دریافتند رابطه‌ای معکوس میان پاداش نقدی مدیران با معامله با اشخاص وابسته برقرار است. نتایج فرضیه

سوم نشان داد که مالکیت سهامداران نهادی تاثیر معکوس و معناداری بر معاملات با اشخاص وابسته دارد. لذا دلیلی بر رد فرضیه سوم یافت نشد. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش شعری و حمیدی (۱۳۹۱)، سهرابی نودهی (۱۳۹۲) مطابقت دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان داد که تغییر مدیر عامل تاثیر معکوس و معناداری بر معاملات با اشخاص وابسته دارد. لذا فرضیه چهارم نیز پذیرفته نشد. نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش نشان داد که چرخش حسابرس تاثیر مستقیم بر معاملات با اشخاص وابسته دارد ولی این رابطه مستقیم از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. لذا فرضیه پنجم نیز پذیرفته نشد.

به طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد تنها مکانیزم حاکمیت شرکتی که بر معاملات با اشخاص وابسته تأثیر معکوس معناداری دارد، مالکیت سهامداران نهادی است. در همین راستا، با توجه به یافته‌های این پژوهش به فعالان بازار سرمایه، تصمیم‌گیرندگان، تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود هنگام تصمیم‌گیری، به منظور جلوگیری و کاهش معاملات هدفمند شرکتها با اشخاص وابسته جهت رعایت حقوق سهامداران و کلیه ذینفعان، ارتباط بین این مکانیسم حاکمیت شرکتی و معاملات با اشخاص وابسته را مدنظر قرار دهند.

پیشنهادها و محدودیتها

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر معاملات با اشخاص وابسته.
۲. بررسی تأثیر کارآیی سیستم کنترل داخلی شرکت بر معاملات با اشخاص وابسته.
۳. بررسی تأثیر رقابت بازار محصول بر رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و معاملات با اشخاص وابسته.

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهشها با محدودیتهایی مواجه است. محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است.

- ۱) حاکمیت شرکتی یک سازه است که از مولفه‌های متعددی تشکیل شده است. در این تحقیق تنها برخی از مولفه‌های مربوط به این متغیر مدنظر قرار گرفته است.
- ۲) اثرات ناشی از تفاوت در روش‌های حسابداری در اندازه‌گیری و گزارش رودادهای مالی ممکن است بر نتایج اثر بگذارد که تعدیلی از این بابت به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات مالی صورت نگرفته است.

منابع

- اسماعیل زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زند عباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله حسابداری مدیریت*، سال سوم، شماره ۷.
- بولو، قاسم؛ کیهان، مهام و گودرزی، اسماعیل. (۱۳۸۹). تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه دانش حسابداری*، شماره ۱، ص ۱۱۱-۱۳۵.
- پناهی، مسعود. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مالکیت نهادی (بلندمدت و کوتاه‌مدت) و ترکیب هیئت مدیره شرکت‌ها. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی قزوین*.
- حساس یگانه، یحیی؛ شعری، صابر و خسرو نژاد، سیدحسین. (۱۳۸۷). رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی‌ها و اندازه شرکت با مدیریت سود. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۲۴، ص ۷۹-۱۱۵.
- حمیدی، الهام و شعری، صابر. (۱۳۹۱). شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال دوم، شماره ۶، ص ۴۹-۶۷.
- دارابی، رویا و محمود، داود خانی (۱۳۹۴). بررسی تاثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*. ش ۲۸. ۱۳۱-۱۵۲.
- رضایی، فرزین و قمری، سمیه. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معامله با اشخاص وابسته و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*.
- رضایی، فرزین و جهاننیده، حسین. (۱۳۹۳). معاملات با اشخاص وابسته، *مجله بورس*، شماره ۱۱۶، ص ۷۷-۸۳.
- سهرابی نودهی، فاطمه. (۱۳۹۲). ارتباط بین ساختار مالکیت، نقش دوگانه مدیرعامل و معاملات با اشخاص وابسته در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی*.
- شعری، صابر و حمیدی، الهام. (۱۳۹۰). کفایت افشای معاملات با اشخاص وابسته. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، شماره ۳۳، ص ۳۹-۵۷.

- Adams, I. (2003). The Morality of Corporate Governance: Issues of Quality and Quantity. *Paper Presented at The Conference of the Economic Society of South Africa*, 17-19 September, Africa.
- AICPA. (2001). Staff of the American Institute. *American Institute of Certified Public Accountants*, New York.
- Berle, A. and Means, G. (1932). The Modern Corporation and Private Property. *Macmillan*, New York.
- Benjamin, E. (2009). Corporate governance structure and firm performance in developing economies: evidence from Nigeria. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, Vol. 9, pp.231-244.
- Bennouri, M., Nekhili, M. and Touron, P. (2015). Does Auditors' Reputation 'Discourage' Related Party Transactions? The French Case. *AUDITING: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 34, pp. 1-32.
- Cheung, Y., Jing, L., Lu T., Rau P. R. and Stouratis, A. (2009). Tunnelling and Propping Up: An Analysis of Related Party Transactions by Chinese Listed Companies, *Pacific-Basin Finance Journal*, Vol. 17, PP. 372-393.
- Chung K. H. and Zhang, H. (2011). Corporate Governance and institutional Ownership. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 46, pp. 247-273.
- Cameron, M., Prencipe, A. and Trombetta, M. (2008). Earnings management, audit tenure and auditor changes: Does mandatory auditor rotation improve audit quality?. *Working paper*, University Bonconni, Madrid.
- Duprey, R. (2006). The Minefield of Related- Party Transactions. *Working paper*, Available at: <http://www.fool.com/investing/general/2006/04/27/the-minefield-of-relatedparty-transactions.aspx>.
- Fernandese, N. (2008). EC: Board compensation and firm performance: The role of independent board members. *Journal of multinational financial management*, Vol. 18, PP. 30-44.
- Frank, J. and Mayer, C. (2004). Corporate Ownership and Control in the UK, Germany and France. *Journal of Applied Corporate Finance*, Vol. 9, PP. 30-45.
- Franks, J. and Mayer, C. (1994). The Ownership and Control of German Corporations. *Review of Financial Studies*, Vol. 14, pp. 943-977.
- Hermalin, B. and Weisbach, M. (2003). Endogenously chosen boards of directors and their monitoring of the CEO. *American Economic review*, Vol. 88, PP. 96-118.
- Henry, E., Gordon, E., Reed, B. and Louwers, T. (2007). The role of related party transactions in fraudulent financial reporting.

- Available at: <http://ssrn.com/abstract=993532>.
- Iqbal, Z. and Mirakhor, A. (2004). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. *Islamic Economic Studies*, Vol 11, PP. 43-64.
- Jian, M. and Wong, J. (2010). Propping through Related Party Transactions. *Review of Accounting Studies*, Vol. 15, pp. 70-105.
- Jensen, M. and Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, PP. 305-360.
- Kuan, L., Tower, G., Rusmin, R., and Mitchell, J. (2010). Related Party Transactions and Earnings Management. *Journal Akuntansi & Auditing Indonesia*, Vol. 14, PP. 93-115.
- Kohlbeck, M. and Mayhew, B. (2004). Agency Costs, Contracting and Related Party Transactions. Available at: <http://ssrn.com/abstract=592582>.
- Kim, J. H and Woo, Y. S (2008). The Effect of Transactions to the Related-Party on the Earnings Management and the Earnings Response Coefficient. *Korean Accounting Review*, Vol. 33, PP. 25-59.
- Lobo, G. J., Kanagaretnam, K. and Whalen, D. J. (2007). Does good corporate governance reduce information asymmetry around quarterly earnings announcements?. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 26, PP. 497-522.
- Minnick, M. and Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of Corporate Finance*, Vol. 16, PP. 703-718.
- Maug, E. (1997). Boards of directors and capital structure: Alternative forms of corporate restructuring. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 3, PP. 113-139.
- Muth, M. and Donaldson, L. (1998). Steward theory and board structure: A contingency approach. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 6, PP. 5-28.
- Parkinson, J. (1994) "Corporate Power and Responsibility: Issues in the Theory of Company Law. *Oxford University*, Oxford.
- Short, H., Keasey, K., Hull, A. and Wright, M. (1998). Corporate Governance, accountability, and enterprise, *Corporate Governance. An International Review*, Vol. 6, PP. 151-165.
- Shleifer, A. and Vishny, R. (1886). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy*, Vol. 94, PP. 88-142.
- Shah, A. and Ullah, H. (2015). Related Party Transactions and Corporate Governance Mechanisms: Evidence from firms listed on the Karachi StockExchange. *Pakistan Business Review*, Vol. 17, pp. 663-680.

Ullah, H. and Shah, A. (2015). Related Party Transactions and Corporate Governance Mechanisms: Evidence from Firms Listed on the Karachi Stock Exchange. *Pakistan Business Review*, Vol. 17, pp. 663-680.